



Research Article

A Critical Study of the Curriculum of Tarbiyat Mo'allemin in the Islamic Republic of Iran from the View of Islamic Education¹

Ali Sohbato

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University,
Zanjan, Iran. alisohbato@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to criticize the curriculum of Tarbiyat Mo'allemin in the Islamic Republic of Iran from the view of Islamic education. The method of study was educational expertise and criticism. In this regard, all upstream documents related to Farhangiyān University (the fundamental transformation document of education (1390), the statute of university (1391), strategic plan of university from the perspective of 1404, macro-planning of Tarbiyat Mo'allemin's curriculum (1395), and approved syllabi of curriculum (1399) were studied. The results showed that in the element of educator, qualifications of professors have been neglected in the documents. In the element of headlines/conceptual fields, the number of lessons of Islamic education is too many and the concepts overlap so it has led to the sense of repetitiveness and boredom among the students. In the element of study and research references, main and supplementary resources introduced in the lessons of Islamic education do not have sufficient comprehensiveness and some of them are second-hand so less attention has been paid to first-hand resources relevant to each of the courses in Islamic education. Furthermore, Learning and performance activities in the courses of Islamic education are faulty like other courses according to the indices and levels of learning and are inconsistent with upstream documents. Besides, analytical and comparative, and evaluative activities have received less attention during learning opportunities.

Keywords: Tarbiyat Mo'allemin, Curriculum, Islamic Education, Upstream Documents, Education and Training.

1. **Received:** 2021/12/25 ; **Revision:** 2022/02/20 ; **Accepted:** 2022/02/23

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی^۱

علی صحبت‌لو

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران. alisohbatlo@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی است. روش پژوهش خبرگی و نقادی تربیتی بود. در این راستا، همه اسناد بالادستی مرتبط با دانشگاه فرهنگیان (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، اساسنامه دانشگاه (۱۳۹۱)، برنامه راهبردی دانشگاه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، طراحی کلان برنامه درسی تربیت معلم (۱۳۹۵) و سرفصل‌های مصوب برنامه درسی (۱۳۹۹) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در عنصر مربی، شایستگی‌های اساتید در اسناد مورد غفلت واقع شده است. در عنصر سرفصل‌ها/ حوزه‌های محتوایی، تعداد دروس تربیت اسلامی زیاد بوده و با هم همپوشانی دارند و این امر موجب احساس تکرار و دل‌زدگی دانشجویان شده است. در عنصر منابع مطالعه و پژوهش، منابع اصلی و فرعی معرفی شده در دروس تربیت اسلامی از جامعیت کافی برخوردار نبوده و برخی از منابع دسته دوم هستند و کم‌تر به معرفی منابع دست اول و مرتبط با هر یک از دروس تربیت اسلامی پرداخته شده است. همچنین در نظر گرفتن فعالیت‌های یادگیری و عملکردی دروس تربیت اسلامی با ملاک‌ها و سطوح پیامدهای یادگیری مانند سایر دروس خطا بوده و منطبق با اسناد بالادستی نیست. همچنین در فرصت‌های یادگیری، کم‌تر به فعالیت‌های تحلیلی، مقایسه‌ای و ارزیابی توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت معلم، برنامه درسی، تربیت اسلامی، اسناد بالادستی، آموزش و پرورش.

۱. **استناد به این مقاله:** صحبت‌لو، علی (۱۴۰۱). نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی. پژوهش در

آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۲(۲)، ص ۲۷-۴۸. DOI: 10.22034/riet.2022.10685.1094

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

۱. مقدمه

تربیت معلم را می‌توان از جمله سرنوشت‌سازترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام آموزشی هر کشور دانست. چراکه موفقیت و عدم موفقیت در ایجاد تحول و شایستگی هر نظام آموزشی، منوط به توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است که مجریان اصلی برنامه‌های درسی در محیط‌های واقعی می‌باشند (ام‌الله و حکیم‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۹).

معلمی که از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشد، بهتر می‌تواند به تحقق اهداف نظام آموزشی کمک کند. به عبارت دیگر، در نظام دانشگاهی، تدوین برنامه درسی به عنوان قلب تپنده مراکز دانشگاهی در توفیق یا شکست این مراکز، نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای دارند (حسینی لرگانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

درباره برنامه درسی در تربیت معلم، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. یافته‌های تحقیق عطاران و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که برنامه‌های درسی تربیت معلم در عصر فاوا از چارچوب نظری ویژه و خاص خود برخوردار است که آن را از سایر برنامه‌های درسی متمایز می‌سازد.

نتایج یافته‌های پژوهش نجفی و معروفی (۱۳۹۹)، نشان داد که موانع فرهنگی، قدرت، اجتماعی، فردی، اجرایی، سازمانی و فراسازمانی از مهم‌ترین موانع پذیرش در برنامه‌های درسی تربیت معلم است. همین‌طور محققان و نویسندگانی نظیر الهامیان و همکاران (۱۳۹۸)، دهقان و همکاران (۱۳۹۵)، مرادی (۱۳۸۹) و شعبانی (۱۳۸۳) در بخشی از آثار خود به طور مستقیم به مباحث مرتبط با برنامه درسی تربیت معلم پرداخته‌اند. توجه معنادار محققان و صاحب‌نظران از این گزاره حمایت می‌کند که موضوع برنامه درسی در تربیت معلم از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است.

مطالعات صورت گرفته در رابطه با برنامه درسی تربیت معلم خاص و از یک منظر ویژه بوده است. در مطالعات انجام شده، محورهای مورد مطالعه موضوعی بوده است، در حالی که در این پژوهش، محور مطالعه مبتنی بر نقد دروس تربیت اسلامی (در معنای خاص) در دانشگاه فرهنگیان و بررسی میزان انطباق آن با اسناد بالادستی است. این پژوهش از لحاظ سطح، وسعت، معیارها و ویژگی‌های نقد و مقایسه، متمایز از تلاش‌های پیشین است.

چگونگی تربیت اسلامی دانشجویان - معلمان در این دانشگاه حائز اهمیت است. اگرچه در تلقی عمومی، تربیت اسلامی شامل یک‌سری از فعالیت‌های یادگیری است که فرزندان مؤمنان برای تحصیل نگرشی نسبت به اصول دیانت، تثبیت ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به احکام شرعی عمل می‌کنند، ولی

در واقع، تربیت اسلامی عبارت از یک نظریه یا دکترین تربیتی است که بر مبنای اصول عقاید و بنیادهای ارزشی اسلام استوار شده است (علم الهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

در تربیت اسلامی همه تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها بر اساس شریعت اسلامی طراحی می‌شود. اهداف تربیت به نحوی تعیین می‌شوند که تحقق آن‌ها انسان را به خداوند متعال نزدیک سازد. پرورش انسان خدامحور، متفکر و تزکیه شده که از جمله اهداف تربیتی است، همه بر اساس مکتب تربیتی اسلام طراحی می‌شوند. اصول و روش‌های تربیت نیز صبغه الهی دارند و اجرای آن‌ها زمینه تحقق هدف‌ها را فراهم می‌سازد (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). بنابراین، منظور از الهی بودن تربیت اسلامی آن است که کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها طبق دستورهای دین مبین اسلام انجام می‌گیرد و محصول چنین تربیتی انسان الهی است (همان، ص ۹۵).

بناری (۱۳۸۵) معتقد است تربیت اسلامی فعالیت هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی بر اساس جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمانی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی است. با توجه به تعاریف ارائه شده از تربیت اسلامی می‌توان به ارائه تعریفی از تربیت اسلامی در تربیت معلم دست پیدا کرد که در آن کلیه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و سرفصل‌های دروس، طبق دستورهای دین مبین اسلام انجام می‌گیرد و در کلیه اسناد بالادستی مرتبط با دانشگاه فرهنگیان به جنبه‌های تربیت اخلاقی، اعتقادی و عبادی دانشجوی-معلم، در جهت هدایت و راهنمایی، رشد و اصلاح، تهذیب، تزکیه و تطهیر توجه می‌شود. پس، تربیت اسلامی یکی از مسائل آموزشی و تربیتی در تربیت معلم بوده و در هندسه برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان دروس تربیت اسلامی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در تربیت معلم، دروس تربیتی برای ایجاد و کسب شایستگی و صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجوی-معلم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (ام‌الله و حکیم‌زاده، ۱۳۹۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ضرورت متناسب ساختن آن با نیازهای جامعه انقلابی احساس گردید (ملکی، ۱۳۸۴).

در کشور ما نیز با توجه به اینکه دین یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جامعه شمرده می‌شود، آموزش دروس معارف و تربیت اسلامی از جمله سازوکارهای آموزشی و تربیتی است که در جهت ایجاد و رشد فضایل دینی و ارزشی دانشجویان طراحی و اجرا می‌شود (یوسفی لویه، ۱۳۷۹).

از سوی دیگر، نوع فعالیت و مأموریت دانشگاه فرهنگیان با سایر دانشگاه‌ها متفاوت است، چراکه این دانشگاه با حوزه علوم انسانی، نهایت و غایت نظام اخلاق و تربیت پیوند خورده و هدف از این نهایت و غایت اخلاق، تربیت و پرورش انسان‌ها است (ملکی، ۱۴۰۰).

به عبارت دیگر، دروس تربیت اسلامی در برنامه‌های آموزشی و درسی همه رشته‌های مختلف تربیت معلم گنجانده شده تا چارچوب رسمی و مدونی برای رشد فضایل و شایستگی‌های ارزشی و اخلاقی دانشجویان- معلمان فراهم آید.

پس، جهت دستیابی به تربیت اسلامی در تربیت معلم، نیازمند نقشه‌ای است که در اسناد بالادستی تدارک دیده شده است.

در این راستا، دبیرخانه هماهنگی گروه تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان در راستای عملیاتی‌سازی تبصره ۲ ماده ۲۳ اساسنامه دانشگاه، جهت تربیت معلمان در تراز انقلاب اسلامی، بر پایه معارف ناب اسلامی، مسئولیت تمشیت ۳۵ واحد درسی را بر عهده دارد. کتب آموزشی مجموعه دروس ۱۳ واحدی تربیت اسلامی، تأمین‌کننده دانش و عمل و فرایند تربیت اسلامی در سطحی قابل ارائه به دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است.

اهداف اصلی دروس تربیت اسلامی شامل مواردی همچون آشنایی دانشجویان با تفکرهای دینی در حوزه باورها، اخلاق، تبیین تفکر دینی، ارتقای معنویت و اخلاق است (برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۵).

از طرف دیگر، بررسی سرفصل‌های دروس تربیت اسلامی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که در منابع معرفی شده، فعالیت‌های یادگیری و عملکردی متناسب با هر درس نبوده و فرصت‌های یادگیری متناسب با سرفصل‌های مصوب این دروس اتخاذ نمی‌شود و همین‌طور به تجارب و اقتضانات کلاس درس توجه جدی نشده است. با توجه به اصل ۴-۳ برنامه درسی ملی (۱۳۹۱)، هدف عملیاتی ۱۱ سند تحول بنیادین (۱۳۹۰)، مسئله میزان بسنده و شایسته توجه به چارچوب «تربیت اسلامی» مورد تردید است.

اگرچه تاکنون تغییرات در محتوا، سرفصل‌ها و روش‌های اجرای دروس تربیت اسلامی در تربیت معلم انجام گرفته است، ولی این تغییرات با توجه به تحولات جهانی و نیازهای کنونی آموزش و پرورش ایران فاصله داشته و نمی‌تواند معلمان، توانا، شایسته و کارآمد را برای نظام آموزشی ایران تربیت کند (احمدی، ۱۳۸۶). بررسی‌ها نشان داد که آخرین نسخه بازنگری شده سرفصل‌های برنامه درسی مربوط

به مصوبه جلسه ۸۶۹ مورخ ۹۴/۹/۲۸ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی در خصوص طرح کلان معماری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان بوده است.

بر اساس سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات، منابع دروس تربیت اسلامی در دو دسته «منابع متناسب با هر بخش از سرفصل‌ها/ حوزه‌های محتوایی درس» و «منابعی برای پژوهش و مطالعه» آورده شده است (دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۶).

با توجه به جایگاه و اهمیت دروس تربیت اسلامی، برخی از مسائل و مشکلات و چالش‌های محتوایی، ساختاری و فرایندی وجود دارد. محتوای دروس تربیت اسلامی با توجه به تعداد قابل توجه دانشجویان - معلمان در مراکز تربیت معلم، از حیث کثرت و اهمیت، قابل تأمل و بررسی است. بی‌شک تحقیق درباره مهم‌ترین علل و عواملی که منجر به عدم اثرگذاری یا اثر اندک دروس تربیت اسلامی بر ابعاد گوناگون شخصیت دانشجویان می‌شود، می‌تواند زمینه‌های لازم را برای رفع مشکلات و ارتقای جایگاه این دروس فراهم سازد.

بنابراین، نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی، در جهت ارتقای نقش و رسالت دانشگاه فرهنگیان در پرورش معلم مطلوب و شایسته نظام تعلیم و تربیت کشور، به عنوان موضوع مطالعه حاضر انتخاب شده است.

به طور کلی، اسناد بالادستی مرتبط با دانشگاه فرهنگیان در موضوع برنامه درسی، بدین شرح معرفی شده‌اند: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم، سرفصل‌های مصوب برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان، سرفصل‌های برنامه درسی بازنگری شده رشته‌های دانشگاه فرهنگیان، برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴. دلیل این انتخاب همخوانی اسناد با اهداف این پژوهش بود که برای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، مورد توجه قرار گرفت. لذا، پژوهش حاضر به دنبال نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی است.

۲. روش پژوهش

روش مطالعه حاضر، خبرگی و نقادی تربیتی بوده که به صورت منصفانه، سرفصل‌های مصوب برنامه درسی دروس تربیت اسلامی در دانشگاه فرهنگیان را که به تصویب وزارت علوم و تحقیقات و فناوری رسیده است، از منظر تربیت اسلامی مورد بررسی و نقد قرار دهد تا ارزش، مطلوب بودن و ارزنده بودن آن‌ها را نشان دهد.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. برنامه درسی در تربیت معلم

پس از انقلاب اسلامی، در اساسنامه‌ها، برنامه‌های درسی و آئین‌نامه‌های آموزشی و امتحانی مراکز تربیت معلم، تغییراتی به وجود آمد. بررسی اسناد مربوط به تربیت معلم از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵، تغییرات و تحولات متعدد را از نظر کمی و کیفی در برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم نشان می‌دهد (صافی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸).

در راستای اساسنامه دانشگاه فرهنگیان و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده در «برنامه درسی ملی تربیت معلم،» برنامه‌های درسی در رشته‌های مختلف از جمله آموزش ابتدایی، مورد بازنگری قرار گرفت (سرفصل‌های بازنگری دروس دوره کارشناسی، ۱۳۹۳).

همه این تغییر و تحولات در برنامه‌های درسی تربیت معلم، در راستای تربیت معلمانی بوده است تا علاوه بر داشتن نقش هدایتی و حمایتی، مسئولیت انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی و جهانی، ایجاد تغییرات مطلوب در کودکان، نوجوانان و جوانان را بر عهده داشته باشند.

تربیت معلم، در واقع، فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت حرفه‌ای (اخلاق و تعهد حرفه‌ای، دانش تخصصی، دانش و نگرش تربیتی، مهارت تربیتی) معلمان بر اساس نظام معیار اسلامی (ضمن تأکید بر ارتقاء هویت انسانی، اسلامی و ایرانی ایشان) است (موسی‌پور و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

تحقق هر فلسفه تربیتی، مستلزم زنجیره اصول و بنیادهای آن در متن نظام آموزشی است. از سوی دیگر، برنامه درسی، صورت تحقق‌یافته خط‌مشیء نظام آموزشی در جهت‌گیری اجزای آن شامل اهداف، محتوا، روش، فرصت‌ها و ارزیابی است. در حقیقت، دلالت هر فلسفه تربیتی برای برنامه درسی، حاصل عرضه مسائل واقعی نهاد اجتماعی تعلیم و تربیت به‌نوعی دیدگان کلان است و ممکن است این مسائل ناشی از موانع خاصی که بر سر راه تحقق اهداف پیش‌بینی شده آن دیدگاه برای زندگی انسان‌ها به وجود آمده، باشد. از این‌رو، تأثیر ضروری پیش‌ها یا ایدئولوژی‌های برنامه درسی در جهت‌گیری عناصر مختلف نظام آموزشی، به خوبی از سوی برخی صاحب‌نظران برنامه درسی پذیرفته شده است (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵).

۳-۲. مبانی کلی برنامه درسی در تربیت اسلامی

مبانی کلی برنامه درسی در تربیت اسلامی عبارتند از:

الف) مبانی دینی (قرآن، سنت، اجماع، قیاس، مصالح مرسله و استحسان)،

ب) مبانی فلسفی (مراد از آن، فلسفه تربیتی اسلام است که هویتی مستقل دارد و برگرفته از متون دینی است)،

ج) مبانی روانی (توجه به ویژگی‌های رشد و تحول جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی فراگیران و تنظیم محتوای متناسب با آن)،

د) مبنای اجتماعی (انتقال میراث جامعه اسلامی، آموختن آداب اجتماعی، تحکیم خانواده و سایر مؤسسات اجتماعی از اموری است که در تعیین محتوا باید مورد توجه قرار گیرد) (همان، ص ۲۶).

در برنامه درسی ملی تربیت معلم، در اصل سه و چهار، بر شکل‌گیری ساختار دانشی تربیت اسلامی دانشجو- معلمان تأکید شده است. «برنامه‌های درسی و تربیتی باید نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه ارتقاء صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی معلم را فراهم سازد». در اصل سه و نه نیز این‌گونه بیان شده است که: «برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای استمرار و معنادار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش‌آموزان تأمین کنند» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

۳-۳. اصول کلی برنامه درسی از نظر اسلام

مفهوم «برنامه درسی» به گونه‌ای که در اندیشه‌های تربیتی معاصر مطرح شده، مفهوم جدیدی است. هرچند مراکز آموزشی در جوامع اسلامی معاصر، غالباً به شکل محبوب سنتی اداره می‌شود و با این مفهوم جدید بیگانه است، اما اندیشه اسلامی، از این تحولات استقبال می‌کند و با آن‌ها هماهنگی نشان می‌دهد.

در آموزه‌های اسلامی، ویژگی‌ها و اصولی کلی برنامه درسی از نظر اسلام عبارتند از:

الف) حاکمیت دین و اخلاق بر کل برنامه درسی،

ب) جامعیت نسبت به جنبه‌های مختلف جسمی، عقلی، روانی و اجتماعی و توازن نسبی میان جنبه‌های مذکور،

ج) توجه به هنرهای زیبا، ورزش و آموزش نظامی، حرفه‌آموزی و آموزش زبان‌های بیگانه،

د) توجه به تفاوت‌های فردی و اقلیمی و پویایی در برابر تغییرات (التومی الشیبانی، ۱۹۸۵؛ به نقل

از: باقری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۵).

۳-۴. مواد و موضوع برنامه درسی در تربیت اسلامی

مواد و موضوع درسی در نظریه تربیتی اسلام شامل مواد و موضوعاتی است که متناسب با اهداف این نظریه، فراگیران را از نظر بُعد روحی و مادی پرورش می‌دهد و در انتخاب محتوای نظریه تربیتی اسلام، میل به کنجکاوی و لذت‌جویی، نیازها و علایق یادگیرنده، تقویت ایمان و تزکیه نفس، تعقل و تفکر، ظرفیت یادگیرنده، نوگرایی محتوا در نظر گرفته شده است که این نظریه تلاش دارد از روش‌هایی استفاده نماید که فراگیران در فرآیند یاددهی و یادگیری فعالانه مشارکت داشته باشند (حاتمی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶).

از سوی دیگر، از مهم‌ترین رسالت‌ها وظایف معلم می‌توان به نقش الگویی در انسان‌سازی و پرورش هویت (خودسازی)، آشنایی با ویژگی‌های برجسته هویتی مورد نیاز، آشنایی با روش‌های پرورش هویت و دوری از روش‌های آسیب‌زا در تربیت (داودی، ۱۳۸۵)، هدایت‌گری، روشنگری و آگاهی‌بخشی (بینش و آگاهی درباره مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معاصر و برخورداری از توانایی تحلیل (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴) و اصلاح‌گری و دعوت عملی به حق، مقابله با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و فرهنگی، مبارزه با باطل و ظلم (استقامت و مجاهدت، شناخت چالش‌های معاصر، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و زمینه‌ها و عوامل آن) (مهندسی، ۱۳۸۰) اشاره کرد.

همچنین مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی- هویتی انسان مطلوب جامعه اسلامی، ایمان، تدین و التزام به سبک زندگی اسلامی، خودباوری، استقلال فکری- شخصیتی، روحیه اعتمادبه‌نفس، تفکر، اندیشه‌ورزی و برخورداری از قدرت تحلیل، وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری و تعهد، مهربانی، ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی، وحدت و همدلی و کارگروهمی است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، خصوصیات نظیر الهی بودن، فطری بودن، مستمر بودن، تدریجی بودن، جامع بودن، جهانی و جاودانی بودن، ارادی بودن، دنیوی و اخروی بودن، تربیت اسلامی را از انواع دیگر تربیت متمایز می‌سازد و برجستگی‌های آن را نشان می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۹۴-۱۰۰).

دروس تعلیم و تربیت اسلامی، بخشی از برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بوده که در تعیین هویت متمایز دانشگاه فرهنگیان از دیگر دانشگاه‌های کشور از یک‌سو، و تفاوت دانشگاه فرهنگیان- به عنوان یک دانشگاه اسلامی تربیت معلم- با دیگر دانشگاه‌ها و برنامه‌های تربیت معلم، نقشی اساسی دارند. توقع و انتظار از دانشگاه فرهنگیان این است که دانشجو- معلمان با اهداف و رسالت ویژگی‌های انسان مطلوب جامعه اسلامی و در تراز جمهوری اسلامی ایران تربیت کند و در برنامه‌های درسی در تربیت معلم، این موارد مورد توجه جدی قرار گیرد.

در اسناد بالادستی مرتبط با دانشگاه فرهنگیان، موضوع برنامه درسی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)»، «اساسنامه دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۱)»، «برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز (۱۴۰۴)»، «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم (۱۳۹۵)» و «سرفصل‌های مصوب برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۹)» به بحث برنامه درسی در تربیت معلم اهتمام ویژه شده است و در همه این اسناد تربیت دانشجو-معلمان بر اساس نظام معیار اسلامی تأکید گردیده است. در ادامه به بررسی جایگاه و اهمیت برنامه درسی تربیت معلم در اسناد بالادستی اشاره می‌شود.

۳-۵. اسناد بالادستی مرتبط با دانشگاه فرهنگیان موضوع برنامه درسی

۳-۵-۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در سند تحول بنیادین، معلم به عنوان «تسهیل‌کننده جریان تکوین و تعالی پیوسته هویت یکپارچه متربیان»، در نقش «زمینه‌ساز و راهنما» مطرح است. تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات که از ابتدای تأسیس تربیت معلم در ایران دنبال شده و مخصوصاً از دهه شصت به بعد، به طور گسترده‌تر، به هدایت‌کننده جریان تربیت در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه» حاکمیت یافته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)، از سویی مستلزم تغییر در ساختارها و رویکرد تربیت معلم و از سوی دیگر تأثیرگذاری بر باورها و مفروضات داوطلبان حرفه معلمی است (صفر نواده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱).

در فصل پنجم بخش هدف‌های عملیاتی و راهکارهای سند تحول بنیادین، به ضرورت توجه به تربیت اسلامی و بازنگری و بازتنظیم اصول حاکم بر طراحی برنامه درسی تأکید شده است. در هدف عملیاتی ۱۱ آمده است: «بازمهندسی سیاست‌ها و بازتنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم، با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوهای برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقاء شیوه‌های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

بررسی سند تحول بنیادین نشان‌دهنده آن است که توجه به تربیت اسلامی دانشجو-معلمان مورد توجه بوده و در این زمینه اهداف عملیاتی و راهکارهای ۱۱/۳ و ۱۱/۴ و ۱۱/۵ ارائه شده، در این راستا می‌باشند.

۳-۵-۲. اساسنامه دانشگاه فرهنگیان

متن اساسنامه «دانشگاه فرهنگیان» که به پیشنهاد مورخ ۹۰/۶/۲۸ وزیر آموزش و پرورش در جلسه ۷۰۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، نقشی محوری برای برنامه‌های درسی در دانشگاه فرهنگیان قائل شده است.

در ماده یک اساسنامه دانشگاه فرهنگیان آمده است که:

دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی است که برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش، پیشرو در آموزش، پژوهش، تولید و ترویج علم نافع مورد نیاز آموزش و پرورش، سرآمد در آموزش و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی تربی محور، توانمند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در انجام مأموریت‌ها، مبتنی بر معیارهای نظام اسلامی، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت، استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی- ایرانی انقلابی دانشجوی- معلمان، برخوردار از هیئت علمی و مدیران مؤمن، آراسته به فضائل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول‌آفرین، باورمند به جامعه عدل جهانی، اداره می‌شود (اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۱، ص ۶).

۳-۵-۳. برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴

در اهداف کلان دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر تربیت دانشجوی- معلمان برخوردار از شایستگی‌های انقلابی، ایرانی و اسلامی تأکید شده است. در این سند این‌گونه آمده است:

تربیت دانش‌آموختگان برخوردار از شایستگی‌های عام (اسلامی، انقلابی، ایرانی و انسانی)، تخصصی و حرفه‌ای با طراز آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ساماندهی و مدیریت علمی فرآیند توانمندسازی و ارتقای سطح شایستگی معلمان، مدیران و سایر منابع انسانی آموزش و پرورش شامل دانشگاه فرهنگیان با محوریت اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، تقویت و ارتقای جایگاه پژوهش و نوآوری و تولید علم و فناوری در حوزه تربیت معلم و دانش میان‌رشته‌ای، آموزش در سطح ملی، نوآوری و تحول در رشته‌ها، ساختار و محتوای برنامه‌هایی با رعایت الزامات اسناد فرادستی، استقرار نظام جذب، به‌کارگیری، نگهداشت و توانمندسازی اعضای هیئت علمی بر مبنای نظام معیار اسلامی، استقرار نظام پذیرش و سنجش صلاحیت داوطلبان، دانشجوی- معلمان و دانش‌آموختگان بر اساس نظام معیار اسلامی، توسعه تعاملات و شبکه‌های علمی و پژوهشی با دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و نهادهای همسو با مأموریت‌های دانشگاه در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهان اسلام (ص ۱۰۴-۱۰۵).

بررسی برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشان‌دهنده آن است که توجه به دروس تربیت اسلامی و انطباق برنامه درسی تربیت معلم با اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، سند برنامه درسی ملی، نقشه جامع علمی کشور و سند دانشگاه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۵-۴. طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم

در برنامه درسی ملی تربیت معلم، دورنمای برنامه‌های درسی، رویکردهای آن و شایستگی‌ها و نقش دانشجو-معلمان مشخص شده است.

پنج رویکرد مهم در تدوین و بازنگری برنامه درسی تربیت معلم، حاکم است. این رویکردها عبارتند از:

● **شایستگی محوری:** این رویکرد بر تدوین آرمان‌ها و اهداف برنامه درسی حاکم بوده و در کل برنامه جاری است.

● **تربیت محوری:** این رویکرد بر اهداف و فضای حاکم بر اجرای برنامه درسی حاکم است.

● **تلفیقی بودن:** این رویکرد بر تعریف و تعیین عناوین برنامه‌ها و سرفصل دروس حاکم است

● **انعطاف‌پذیری:** این رویکرد بر ارتباط بین انواع دروس حاکم است.

● **عمل‌گرایی:** این رویکرد بر تعیین نوع و اجرای برنامه درسی حاکم است (موسی‌پور و احمدی،

۱۳۹۵، ص ۱۴).

۳-۵-۴-۱. شایستگی و نقش در برنامه درسی تربیت معلم

در بخش دیگر از برنامه درسی ملی به شایستگی و نقش در برنامه درسی تربیت معلم اشاره شده است. «شایستگی»^۱ به مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های ناظر به همه جنبه‌های هویت اطلاق می‌شود که متر بیان برای درک موقعیت خود و دیگران و عمل (فردی و جمعی) بر اساس نظام معیار اسلامی در جهت دستیابی به مراتب حیات‌طیبه، باید کسب کنند (همان، ص ۱۵).

ویژگی‌های شایستگی به شرح زیر بیان شده است:

● ناظر به توصیف عمل یادگیری در صورت‌های متفاوت آن است،

● تلفیق حیطه‌ها و سطوح یادگیری (حوزه‌ها) را با خود دارد،

• از وحدت و یکپارچگی در سطوح مختلف یادگیری برخوردار است،
 • انعطاف‌پذیر و پویاست،
 • پذیرا نسبت به ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی است.
 بر این اساس، شایستگی معلمی کردن به عنوان یک پدیده واحد و «شایستگی محوری»^۱ متشکل از دو نوع شایستگی تصور می‌شود:

الف) شایستگی‌های کلیدی^۲ عبارتند از:

• شایستگی‌های معطوف به دانش موضوعی^۳ (شایستگی تخصصی رشته یعنی آگاهی از دانش رشته‌ای و توانا در تحقیق در آن رشته)،
 • شایستگی‌های معطوف به دانش تربیتی^۴ (آشنا با دانش تربیتی، تسلط بر خویش، قادر به تحلیل موقعیت تربیتی، توانا برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه درسی)،
 • شایستگی‌های معطوف به عمل تربیتی موضوعی^۵ (قادر به آموزش در رشته)،
 • شایستگی‌های معطوف به دانش عمومی^۶ (سواد دینی، سواد زبانی، سواد سلامت و حفظ محیط زیست).

ب) شایستگی‌های اساسی^۷:

شایستگی‌های کلیدی دربردارنده شایستگی‌های اساسی و آن‌ها نیز دربردارنده اهداف و پیامدهای یادگیری هستند. ابعاد شایستگی‌های اساسی به ترتیب، موارد زیر را دربر می‌گیرد:
 • ابعاد اساسی شایستگی علمی^۸ شامل مواردی از جمله تسلط بر دانش موضوعی و قادر به به‌کارگیری دانش روشی است،
 • ابعاد اساسی شایستگی تربیتی^۹: شامل فهم ماهیت و روش‌های تربیت بر اساس دیدگاه اسلام و

1. Core competency
2. Key competency
3. Content Knowledge (CK)
4. Content knowledge (CK)
5. Pedagogical content knowledge (PCK)
6. General Knowledge (GK)
7. Basic competency
8. CK
9. PK

توانایی تحلیل موقعیت تربیتی و قابلیت تشخیص ماهیت فرصت‌های تربیتی و آثار آن است.

● **ابعاد اساسی شایستگی عمل تربیتی موضوعی^۱**: شامل آشنایی با دانش‌های ترکیبی رشته، تسلط بر برنامه‌ریزی درسی رشته، قادر به آموزش رشته و قابلیت خلق موقعیت‌های تربیتی اثربخش در رشته است.

● **ابعاد اساسی شایستگی عمومی^۲** شامل: آگاهی از دانش دینی، تسلط بر دانش زبان ملی، توانایی تحلیل پدیده‌های فرهنگی - سیاسی، علاقه‌مندی به حفظ سلامت و محیط زیست و قادر به استفاده از زبان بین‌المللی است (موسی‌پور و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۲۶).

بررسی سند برنامه درسی ملی تربیت معلم نشان‌دهنده آن است که همه این رویکردهای پنج‌گانه (شایستگی محوری، تربیت محوری، تلفیقی بودن، انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی) مورد توجه است. همه رویکردهای موردنظر نقش بسزایی در تحقق اهداف دروس تربیت اسلامی دارند. رویکرد مطلوب برنامه درسی برای تربیت اسلامی که متلائم با مبانی آن می‌باشد، نوعی رویکرد تلفیقی است (علم الهدی، ۱۳۸۴). البته تدوین یک یا چند برنامه خاص تربیتی پیرامون موضوعات یا مسائل دینی، حتی در یک شکل تلفیقی، نمی‌تواند تربیت اسلامی را به سرانجام رساند.

همچنین بر اساس طراحی کلان برنامه درسی تربیت معلم، شایستگی معلمی کردن در دو بُعد شایستگی‌های کلیدی (دانش موضوعی، دانش تربیتی، عمل تربیتی، موضوعی، دانش عمومی) و شایستگی‌های اساسی (علمی، تربیتی، موضوعی و عمومی) مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۵-۵. سرفصل‌های مصوب برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان

در سرفصل‌های برنامه درسی بازنگاری شده رشته‌های دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۹/۰۵/۲۲)، دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه موظف‌اند طبق برنامه آموزشی مصوب، دروس فلسفه تربیتی اسلام، اسناد، قوانین و سازمان آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، اخلاق معلمی از دیدگاه اسلام، تاریخ اندیشه و عمل تربیتی در اسلام و ایران، چالش‌های تربیت اسلامی در دنیای معاصر، تربیت دینی کودک و نوجوان در اسلام، آشنایی با تجارب مدارس اسلامی معاصر و آشنایی با ارزش‌های تربیتی دفاع مقدس را به تعداد ۱۳ واحد (۲۰۸ ساعت نظری و عملی) به آموزش پردازند و دانشگاه موظف است زمینه اجرای آن را فراهم کند (سرفصل‌های بازنگاری

1. PCK

2. GK

شده رشته‌ها در دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۹)). بنابراین، هم در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان و اسناد بالادستی، دورنمای تربیت اسلامی (چیستی و چرایی و چگونگی آن) به خوبی روشن شده است. مجموعه‌ای از اسناد نگاشته شده در دانشگاه فرهنگیان در مورد برنامه درسی تصویر روشن و امیدبخشی در دانش‌افزایی، مهارت‌آموزی و ایجاد نگرش در دانشجو-معلمان ایجاد می‌کند. دانش، توانش و نگرش معلمان بستگی زیادی به قابلیت‌هایی دارد که در تربیت معلم در قالب برنامه‌های درسی به آن نائل شده‌اند. آنچه اهمیت دارد میزان انطباق‌پذیری برنامه‌های طراحی و اجرا شده با اسناد بالادستی و در چارچوب تربیت اسلامی است.

اهداف همه رویکردها و روش‌ها، یادگیری و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده است. تغییرات مطلوب در برنامه درسی تربیت معلم به‌طور خاص در دروس تربیت اسلامی شامل تغییر در دانش، نگرش و مهارت دانشجو-معلمان است و این امر یکی از اهداف عمده نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند و تمام تلاش‌ها و منابع برای رسیدن به این هدف مهم صرف می‌گردد.

۴. یافته‌ها

عمده‌ترین یافته‌های حاصل از نتایج این پژوهش به تفکیک در عناصر اصلی برنامه درسی تربیت معلم مربی (اعضای هیئت علمی)، سرفصل‌ها/حوزه‌های محتوایی دروس و منابع مطالعه و پژوهش، فعالیت‌های یادگیری و عملکردی، فرصت‌های یادگیری و اهداف و پیامدهای یادگیری ارائه می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل اسناد بیانگر این نکته است که در عنصر مربی (اعضای هیئت علمی) در دروس تربیت اسلامی، علی‌رغم تأکیدات هر ساله مقام معظم رهبری در تقویت و رسیدگی همه‌جانبه به دانشگاه، به‌خصوص تأمین هیئت علمی، و همین‌طور بر اساس اسناد بالادستی، متأسفانه این مسئله و مشکل کماکان پاجاست. بر اساس بیانات حکیمانه، راهبردی و صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی باید گفت دانشگاه فرهنگیان مرکز ثقل اصلی نظام تعلیم و تربیت و تربیت افسران سپاه پیشرفت نظام و انقلاب اسلامی است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «یکی از چیزهایی که در آموزش و پرورش خیلی مهم است، همین دانشگاه فرهنگیان است؛ همین که این جوان‌های عزیزمان، [یعنی] دانشجو-معلم‌ها، آنجا هستند. این بسیار مهم است. هرچه می‌توان باید برای این مجموعه سرمایه‌گذاری در توسعه‌ی کتی و کیفی کرد؛ با همان معیارهای متعالی که برای معلم لازم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵).

همچنین ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «این دانشگاه فرهنگیان- یا به تعبیر قدیمی، دانشگاه تربیت معلم- دانشگاه است، لکن با دانشگاه‌های معمولی فرق دارد. علاوه بر امتیازاتی که دانشگاه‌های

دیگر دارند، امتیاز «تولید معلم»، مخصوص این دانشگاه است. این شرایطی دارد. به این دانشگاه خیلی باید اهمیت داد» (مقام معظم رهبری، ۱۷/۰۲/۱۳۹۳).

هرچند طی سال‌های گذشته تلاش‌هایی شده است، ولی این تلاش‌ها کافی نیست. دروس تربیت اسلامی جزو دروس معجزدار است که افرادی که این دروس را تدریس می‌کنند، هم به لحاظ رشته و تخصص باید از صلاحیت علمی و عمومی برخوردار باشند و هم به لحاظ دارا بودن مجوزهای قانونی تدریس. در وضعیت فعلی، جذب و تکمیل هیئت علمی در دروس تربیت اسلامی از چالش‌های اساسی دانشگاه فرهنگیان است و تناسبی مطلوب و استاندارد بین تعداد اعضای هیئت علمی با دانشجوی وجود ندارد. در نتیجه به کیفیت مطلوب خدمات آموزشی، به خصوص در دروس تربیت اسلامی تأثیر منفی گذاشته است. به طور کلی، نتایج تحلیل اسناد (سند تحول، سند راهبردی دانشگاه و برنامه درسی کلان دانشگاه) نشان داد که در عنصر مربی، شایستگی‌های اساتید در اسناد مورد غفلت واقع شده است.

آنچه از تحلیل اسناد (برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، طراحی کلان معماری) برنامه درسی تربیت معلم، ۱۳۹۵ و سرفصل‌های مصوب برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۹) بدست آمده، نشان داد که در عنصر سرفصل‌ها/ حوزه‌های محتوایی، تعداد دروس تربیت اسلامی زیاد بوده و با هم همپوشانی دارند و این امر موجب احساس تکرار و دل‌زدگی دانشجویان شده است. همچنین حوزه‌های محتوایی دروس بر اساس مبانی دینی و عقلی و مبتنی بر منابع محکم و تخصصی تهیه و ارائه نشده است.

در عین حال، مسائل متعددی همچون کمبود یا نبود سابقه آموزشی و پژوهشی در برخی از این دروس و لزوم متناسب‌سازی محتوا با نیازها و اقتضائات دانشگاه، بدان معناست که دست یافتن به ساختار آرمانی و بی‌عیب و نقص برای این دروس و تهیه متون و محتوای درسی مطلوب برای آن‌ها، مستلزم صرف وقت و توان قابل توجهی است. از سوی دیگر، در جریان بودن برنامه‌های آموزشی و ارائه این دروس در تمامی رشته‌های درسی دانشگاه، می‌طلبد که حداقل برای وضعیت موجود و تا پیش از دست یافتن به منابع درسی متناسب با وضعیت دانشگاه، تدابیری اندیشیده شود تا اساتید و دانشجویان-معلم‌ان بتوانند با استفاده از آثار و منابع موجود، این دروس را با حداکثر بهره‌مندی و حداقل آسیب، پشت‌سر بگذرانند.

از طرف دیگر، برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان به دنبال آن است که تغییر هویتی در دانشجویان-

معلمان به وجود آورد. به عبارتی می‌خواهد اهلیت معلمان را بر تربیت اسلامی که روح تعلیم و تربیت رسمی عمومی است، ضمانت کند. در حال حاضر، با توجه به تحلیل اسناد (برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم، ۱۳۹۵ و سرفصل‌های مصوب برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۹)، خلاءهایی وجود دارد و بسیاری از مشکلاتی که در برنامه درسی تربیت معلم وجود دارد، از همین عدم تحول هویتی است که در دانشگاه فرهنگیان اتفاق نمی‌افتد.

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های محتوایی برنامه‌های درسی دروس تربیت اسلامی در تربیت معلم، مناسب نبودن برخی از محتواهای ارائه شده با نیازهای دانشجوی- معلمان است. قلب برنامه‌های درسی تربیت معلم، محتوایی است که به دانشجوی- معلمان ارائه می‌شود و سند تحول بنیادین در ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت، به اهمیت این موضوع اشاره کرده است. رویکرد سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت، شامل تمام ساحت‌های تربیتی است. در حوزه برنامه‌ریزی درسی تربیت معلم، در سرفصل‌ها، این موضوع خوب تبیین نشده و برای رسیدن به اهداف، الزامات لازم و مورد نیاز مورد توجه قرار نگرفته است. دانشجوی- معلمان امروز، به صلاحیت‌های معلمی (مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها) نیاز دارند که با شرایط جامعه امروزی سازگار باشد و دانشجوی- معلمان با کسب آن‌ها بتواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی متریبان کمک کند. محتوا و حجم فعالیت‌ها و برنامه‌های در نظر گرفته شده در سطح کارشناسی برای دانشجوی- معلمان با توجه به محدودیت زمانی، با مشکل مواجه است. چنانچه محتوای این دروس متناسب با نیازهای حرفه‌ای دانشجوی- معلمان تدوین شود، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عملکرد آنان داشته باشد.

نتایج این مطالعه نشان داد که بر اساس سرفصل‌های بازنگری شده، ۱۳ واحد درسی تربیت اسلامی برای دانشجویان در طول تحصیل ارائه می‌شود. این دروس هم به لحاظ تعداد واحدها و ساعات تدریس از جامعیت و پویایی برخوردار نبوده و دچار چالش اساسی هستند. نمونه آن درس «سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)» است که به صورت مجازی تنها برای چهار جلسه در جهت رفع اشکال در نظر گرفته شده است و این امر با طراحی کلان برنامه درسی تربیت معلم و همین‌طور با برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ سازگار نبوده و در تناقض است.

نتیجه دیگر حاصل از تحلیل اسناد این پژوهش حاکی از آن است که در حوزه منابع مطالعه و پژوهش، برنامه درسی تربیت معلم در تربیت اسلامی نیز با تنگناها و مشکلاتی مواجه است. منابع

اصلی و فرعی معرفی شده در دروس تربیت اسلامی از جامعیت کافی برخوردار نبوده و برخی از منابع دسته دوم هستند و بیشتر، مقالات را شامل می‌شود و کم‌تر به معرفی منابع دست اول و مرتبط با هر یک از دروس تربیت اسلامی پرداخته شده است. همچنین منابع مطالعه و پژوهش به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته است. بیشتر منابع فارسی بوده و در حد معرفی چهار پنج منبع فارسی بسنده شده است.

با توجه به اینکه دروس تربیت اسلامی از نظر نوع درس، نظری هستند و کم‌تر به شیوه پروژه‌محوری و روش حل مسئله توجه شده است.

به لحاظ انجام فعالیت‌های یادگیری و عملکردی، نتایج حاصل از تحلیل اسناد این مطالعه نشان داد که ارزشیابی از یادگیرنده بر اساس فعالیت یادگیری در طول ترم، تکالیف عملکردی و آزمون پایان ترم انجام می‌شود. در راهبردهای ارزشیابی یادگیری دروس تربیت اسلامی، آزمون مباحث نظری به میزان ۱۰ نمره (ارزشیابی پایانی)، عملکرد دانشجو در فعالیت‌های یادگیری و مشارکت در فعالیت‌ها ۵ نمره (ارزشیابی فرآیند) و مجموعه تکالیف عملکردی، ۵ نمره (ارزشیابی پوشه کار) در نظر گرفته شده است. در نظر گرفتن ارزیابی تکالیف (یادگیری و عملکردی) دروس تربیت اسلامی با ملاک‌ها و سطوح پیامدهای یادگیری همانند سایر دروس، با اسناد بالادستی انطباق ندارد. ماهیت دروس تربیت اسلامی متفاوت از دروس دیگر است، لذا، ملاک‌ها و سطوح پیامدهای یادگیری تعیین شده در این دروس نیز متمایز خواهد بود.

نتیجه دیگر حاصل از تحلیل اسناد نشان داد که به لحاظ ایجاد فرصت‌های یادگیری، برنامه‌های درسی دچار چالش‌های اساسی هستند. در بحث روش‌ها بیشتر بر روش‌های سنتی اکتفاء شده و استفاده از فعالیت‌های تحلیلی، مقایسه‌ای و ارزیابی به منظور کمک به درونی شدن مباحث و خارج شدن درس از حالت انتزاعی، کم‌تر مورد توجه بوده است. همچنین در برنامه درسی دروس تربیت اسلامی، جلب و بسترسازی برای ارائه نوآوری و ایجاد انگیزه برای دانشجو-معلم، به عنوان یک خلاء اساسی قابل مشاهده بوده و این امر در تناقض با اسناد بالادستی است.

تدریس دروس تربیت اسلامی نیازمند بهره‌مندی از الگوها و روش‌های تدریس نظیر الگوی اکتشافی یا ابتکاری، الگوی تعاملی و الگوی حل مسئله است.

از سوی دیگر، برنامه درسی مصوب و تدوین شده در دانشگاه فرهنگیان از نظر اهداف و پیامدهای یادگیری در مؤلفه‌های انگیزشی (اقداماتی که سبب اعتناء و توجه به موضوع می‌شود)، بینشی (اقداماتی که باعث ایجاد ادراک وسیع و توانایی در شناخت عمیق نسب به موضوع می‌گردد)، نگرشی (اقداماتی

که سبب ترغیب دانشجو- معلمان به موضوع گردیده و باعث تحریک او نسبت به شناخت زوایای آن می‌شود)، مهارتی (ابزارهای فکری و تحلیلی که در جهت احاطه و تسلط به موضوع در اختیار مخاطب قرار می‌دهد)، در مرحله پیاده‌سازی و اجرای برنامه درسی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است و فاصله‌های جدی بین عرصه عمل و اسناد وجود دارد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نقد برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیت اسلامی انجام گرفت. در این راستا، عناصر اصلی برنامه درسی تربیت معلم مربی، حوزه‌های محتوایی دروس و منابع مطالعه و پژوهش، فعالیت‌های یادگیری و عملکردی، فرصت‌های یادگیری و اهداف و پیامدهای یادگیری مورد نقد و مقایسه قرار گرفت.

آنچه در اسناد مورد بررسی به دست آمد، حاکی از آن است که دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک دانشگاه مأموریت‌گرا، در اجرای درست برنامه‌های درسی مصوب، تناسب حجم کتب درسی با اهداف و سرفصل‌ها، روزآمد بودن، مخاطب‌محوری در کتب درسی و تغییر جهت برنامه‌های کتاب‌های درسی از محتوا به سمت یادگیری، توجه به نقش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و وسایل آموزشی در تدریس، با وضع مطلوب فاصله داشته و در این زمینه نیز خلاءها و نقاط ضعفی وجود دارد.

برنامه درسی تربیت معلم از منظر تربیت اسلامی از نظر سرفصل‌ها و محتوای دروس، نوع منبع درس، نوع تکالیف ارائه شده به دانشجویان، نوع درس (نظری/ عملی)، تعداد واحد، تعداد ساعت، تخصص مورد نیاز برای تدریس، نظرات علمی، فرآیند منطقی بحث، سابقه بحث، نظرات موافق و مخالف محتوا، نیازمند بازنگری اساسی است و در حال حاضر منطبق با اسناد بالادستی نیست.

تأکید اسناد بالادستی در دانشگاه فرهنگیان به پرورش و توسعه شایستگی‌های پایه، جهت تعمیق هویت مشترک و حرفه‌ای معلمان در ابعاد فردی، انسانی، اسلامی و ایرانی است. شکل ارائه محتوا، موضوعات مورد بحث، اعتبار منابع و معیارهای انتخاب محتوا همسویی بسیار کم‌تری با اسناد بالادستی نظیر برنامه درسی کلان دانشگاه و سند تحول دارد.

عدم وجود چارچوب مدونی از شایستگی‌های معلمان در برنامه درسی تربیت معلم، موجب بروز آشفتگی و سردرگمی در شیوه تربیت و تأمین منابع انسانی در دستگاه تعلیم و تربیت شده است.

همچنین اهداف کلی، رفتاری، حیطه‌های یادگیری در هر فصل و نحوه تنظیم محتوایی کتاب و چگونگی ارتباط منطقی فصول و فرصت‌های یادگیری، محتوای درس و ساختار آن، با برنامه

درسی تدوین و مصوب شده در دانشگاه فرهنگیان با اسناد بالادستی از انطباق لازم و کافی برخوردار نیست.

در مجموع می‌توان گفت که اجرای برنامه درسی در تربیت معلم از منظر تربیت اسلامی هم به لحاظ نظری و هم عملی، با چالش‌هایی مواجه است. به لحاظ نظری با توجه به نوپا بودن دانشگاه، محتوای مربوطه متناسب با تربیت معلم در تراز جمهوری اسلامی ایران نیست، و همان برنامه درسی که در دیگر دانشگاه‌ها ارائه می‌شود نیز در برنامه‌های درسی تربیت معلم گنجانده شده است.

به لحاظ عملی نیز انتظار و توقع از دانشگاه فرهنگیان این است که معلمانی تربیت کند که در عمل شایستگی‌های معطوف به دانش موضوعی، دانش تربیتی و عمومی و صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و حرفه‌ای را کسب کنند. ولی شواهد و قراین حاکی از آن است که با وضع مطلوب فاصله بسیار زیادی وجود دارد.

بنابراین، لازم است مسئولان، متخصصان و برنامه‌ریزان درسی تربیت معلم به این نکته مهم توجه وافر داشته باشند.

اگرچه در متون و سرفصل‌های تربیت اسلامی، بعضی از واژه‌های اسلامی گنجانده شده و برخی از تکنیک‌های یادگیری لحاظ شده است، اما بیشتر سرفصل‌های دروس از نظر محتوایی با نیازهای علمی روز و همچنین اصول و ارزش‌های اسلامی فاصله زیادی دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سرفصل‌های تدوین شده پس از ارزیابی درونی، مجدد بازنگری شده و تولید و تأمین محتوای دروس با اسناد بالادستی انطباق داده شود. همچنین کارگروه‌های علمی با محوریت دانشگاه فرهنگیان در هر استان تشکیل شده و پیرامون سرفصل‌ها و محتوای تدوین شده بحث و تبادل نظر صورت گیرد، تا آسیب‌های احتمالی در دروس تربیت اسلامی انعکاس داده شود.

علاوه بر مشارکت اساتید در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دروس تربیت اسلامی، این امکان فراهم شود که دانشجو-معلمان نیز در زمینه برنامه‌ریزی برای تعیین تعداد واحدهای درسی و کمیّت و کیفیت این دروس نقش‌آفرینی کنند.

— منابع —

- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). *ارزیابی برنامه دروس تربیتی دوره‌های کاردانی تربیت معلم*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت. امرالله، امید؛ حکیمزاده، رضوان (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی نظام ارزیابی کیفیت برنامه درسی تربیت معلم در کشورهای کره جنوبی، انگلستان و ایران. *مطالعات برنامه درسی*، ۱(۷)، ص ۹-۱۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی، ج ۱.
- بناری، علی همت (۱۳۸۵). در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات. *تربیت اسلامی*، ۳، ص ۷-۴۰.
- حاتمی، مصطفی (۱۳۹۴). واکاوی نقش نظریه تربیتی اسلام درباره عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی). *اخلاق*، ۵(۴۱)، ص ۱۴۱-۱۵۹.
- حسینی لرگانی، سیده مریم؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه؛ زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۴). مفهوم‌سازی یادگیری زائد و راهکارهای کاهش آن در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۵(۹)، ص ۹-۳۳.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۲/۱۳). *بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). *روش تحلیل سیاسی (مجموعه‌ای از بیانات)*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۰۲/۱۷). *بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
- داودی، محمد (۱۳۸۵). *نقش معلم در تربیت دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهقان، عبدالمجید؛ مهram، بهروز؛ کرمی، مرتضی (۱۳۹۵). ارزشیابی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان از حیث تربیت معلم پژوهشگر. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۷(۱۳)، ص ۷۸-۱۰۰.
- شعبانی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی برنامه تربیت معلم ایران و چند کشور جهان. *تعلیم و تربیت*، ۱۱(۱)، ص ۲۱۲-۲۱۷.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شورای گسترش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۹). *سرفصل‌های برنامه درسی بازنگری شده رشته‌های دانشگاه فرهنگیان*. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صافی، احمد (۱۳۸۷). سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده. *تعلیم و تربیت*، ۲۴(۴)، ص ۱۷۳-۲۱۰.
- صفر نواده، مریم؛ موسی‌پور، نعمت‌اله؛ اظهري، محبوبه؛ محمدشفیعی، عبدالسعید (۱۳۹۸). تجربه زیسته دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان از برنامه جدید کارورزی تربیت معلم ایران. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۰(۱۹)، ص ۱۴۹-۱۶۹.
- عطاران، محمد؛ آیتی، محسن؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۵). چارچوب نظری برنامه‌های درسی تربیت معلم در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) مبتنی بر تحلیل مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی. *مطالعات برنامه درسی*، ۱(۳)، ص ۱۰۵-۱۳۳.

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۴). مبانی تربیت اسلامی برنامه‌ریزی درسی (بر اساس فلسفه صدرا). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه. قم: انتشارات دارالحدیث.

مرادی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل محتوای برنامه درسی دوره تربیت معلم از لحاظ دانش روش کاری، پیشنهاد الگوی مطلوب تدریس و مقایسه آن با وضعیت موجود تدریس در مراکز تربیت معلم (مورد مطالعه: مرکز تربیت معلم زنجان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

معاونت آموزشی و پژوهشی (۱۳۹۱). اساسنامه دانشگاه فرهنگیان. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

معاونت آموزشی و پژوهشی (۱۳۹۵). برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

معاونت آموزشی و پژوهشی (۱۳۹۵). برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

معاونت آموزشی و پژوهشی (۱۳۹۶). راهنمای منابع دروس تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

معاونت آموزشی و پژوهشی (۱۳۹۶). راهنمای منابع دروس تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دانشگاه فرهنگیان.

ملکی، حسن (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی رویکرد کلان‌نگر. تهران: انتشارات عابد.

ملکی، حسن (۱۴۰۰). نشست خبری رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. قابل دسترس در:

<https://hawzahnews.com/xbdQD>

موسی‌پور، نعمت‌الله؛ احمدی، آمنه (۱۳۹۵). طراحی کلان (معماری) برنامه‌ریزی تربیت معلم (برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران). تهران: انتشارات دانشگاه فرهنگیان.

مهندسی، محمدمهدی (۱۳۸۰). مقالات و گفتگوها: تربیت و چالش‌های عصر حاضر. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.

نجفی، سهراب؛ معروفی، یحیی (۱۳۹۹). تبیین موانع پذیرش و اجرای نوآوری در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۷(۶۴)، ص ۶۱-۷۶.

الهامیان، نگار؛ حاجی حسین‌نژاد، غلامرضا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله؛ کیان، مرجان (۱۳۹۸). طراحی الگوی اجرای برنامه درسی تربیت معلم مبتنی بر اسناد تحولی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳(۴۶)، ص ۱۴۵-۱۶۱.

یوسفی لویه، وحید (۱۳۷۹). دروس معارف اسلامی، دانشجویان: نگرش‌ها و گرایش‌ها. تهران: دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی.